



## جلسه بیست و هفتم- درس خارج مهدویت - ۲۷ / ۹ / ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحی  
وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

### مقدمه

بحث دایة الأرض و تفسیر این آیه را در سوره نمل، در سال گذشته مفصل مطرح کردیم و در جلسه قبل هم به  
مناسبت رد و مناقشه قول صاحب تاریخ ما بعد الظهور، مطالبی مطرح شد. بهتر است که بیان و نحوه تبیین علامه  
طباطبائی را هم، در مورد دایة الأرض مطالعه فرمایید.

صاحب تاریخ مابعد الظهور، معتقد است که روایات رجعت، اجمالاً رجعت را ثابت می کند و آیه هم اشاره یا ظهور  
در آمدن دایة الأرض دارد. خروج دایة الأرض همان رجعت است زیرا، مرده زنده می شود و این دایة الأرض، بر أمير  
المؤمنین<sup>۷</sup> تطبیق می شود. خلاصه این که رجعت مورد پذیرش ایشان، کلی در یک فرد است که آن هم أمير  
المؤمنین<sup>۷</sup> است. این فرمایش از جهاتی قابل مناقشه است و چون مناقشه کردیم، دیگر به آن نمی پردازیم.

طبق این نظر، بالاخره بعد از امام زمان چه می شود؟ جهان به پایان می رسد و یا دوباره، حکومت به دست نا اهلان  
افتاده و ظلم همه جا را می گیرد؟ و یا به طریق دیگری است؟ فرض ایشان این است که ائمه : بر نمی گردند و چون  
دایة الأرض هم در اواخر دنیا می باشد، پس در این مدت چه پیش می آید؟ صاحب «تاریخ ما بعد الظهور» تلاش  
می کند این معنی را اثبات کند که حکومت بعد از امام زمان دست اولیاء صالحین و انسانهای خوب و متدین است.  
این افراد تا نزدیک قیامت حکومت را اداره می کنند و مستندشان، روایات است.

در جلسه قبل اشاره کردیم که چنین روایاتی به شش تا نمی‌رسد، هر چند ایشان اصرار داشته و می‌فرماید حکم در دست فرزندان امام مهدی و اولیای صالحین است. اگر حکومت بعد از امام زمان دست اولاد ایشان است، آیا برای شما روشن و ثابت است که امام زمان ۴ ازدواج کرده و اولادی دارند تا حکومت در دست آن‌ها باشد؟

### بیان مرحوم شوشتری در باب اولاد امام زمان

مرحوم شوشتری در کتاب قاموس الرجال در مورد فرزندان امام زمان ۴، بحث مفصلی را ذکر می‌کنند که اجمال آن چنین است:

### زمان غیبت

«اما الحجة فلم يتعرض العلماء أن له ولداً فعلاً و اصر النوری علی ذلک استناداً إلى حدیث مدائن أبناء له و حدیث البحر الأبيض و الجزيرة الخضراء وهما خبران مجعولان و ليس اثر منهما فی كلام المعصومين و لا فی كلمات المتقدمين و انما قال بهما بعض من كان حسن الاعتقاد كابن طاووس و المجلسی من المتأخرين و استناداً إلى ما رواه فی الغيبة «و لا یطلع علی موضعه احدٌ من ولده و لا غیره» و هو خبر محرف و صحیحه ما رواه النعمانی «من ولی و لا غیره» و قوله «ان النعمانی رواه مثله» و هم. هذا [۱]. [ftn1 #]

قدما، متعرض این بحث، نشده‌اند که آیا الان، امام زمان ۴ فرزندی دارند؟ هر چند، مرحوم نوری بر خلاف قدما، اصرار دارد که حضرت مهدی ۴ فرزند دارد. دلیل ایشان، استناد به حدیث مدائن و حدیث بحر ابیض و جزیره خضراء است. [۲]. [ftn2 #]. دو قصه در مورد جزیره خضراء، یکی مربوط به کمال الدین انباری و دیگری مربوط به علی ابن فاضل است. منظور ایشان کدام است؟ هر دو قصه جعلی است. [۳]. [ftn3 #]

درکلمات معصومین: و درکلمات متقدمین اثری از بحث اولاد برای امام زمان ۴ یافت نمی‌شود [۴]. [ftn4 #]

البته، بعضی‌ها که حسن ظن داشته، این دوقضیه را قبول کرده‌اند مثل ابن طاووس [برای من سوال است که ابن طاووس در کجا، قصه جزیره خضراء را پذیرفته است؟] و مجلسی [چگونه مجلسی پذیرفته است در حالی که در جلد پنجاه و دو و یا پنجاه و سه بحارالانوار می‌فرماید چون در اصول معتبره نیست من جداگانه، این جریان را نقل کرده‌ام].

استناد بعضی هم برای فرزند داشتن حضرت، به روایت الغیبه طوسی است. از عبارت «بر مکان حضرت، کسی - فرزندان یا غیر فرزندان - نمی‌تواند اطلاع پیدا کند» استفاده می‌شود که آن حضرت فرزندی ندارد. ولی در این

خبر اشتباه و یا در آن، دست برده شده است و صحیح آن، خبری است که نعمانی نقل کرده: «لا یطلع من موضعه من ولی و لا غیره»

## اولاد امام در زمان بعد از ظهور

« و اما وجود الولد له ۷ بعد ظهوره، و وجود الخلف له بعد وفاته، فالأخبار و الأقوال فيه مختلفه» [۵]. [ftn5\_#]

(پس ما هیچ دلیلی نداریم که تا قبل از ظهور حضرت فرزندی داشته باشد.) اما بعد از ظهور، آیا حضرت فرزندی خواهد داشت که بعد از وفاتش، جانشین وی باشد؟ اخبار و اقوال در این مورد مختلف است.

## روایاتی که دلالت بر وجود فرزند برای امام، بعد از ظهور دارند

و أما الأخبار فروى فى الغيبة فى أخبار الأئمة الإثنى عشر بإسناده عن الصادق عن آبائه عن النبى خبراً فيهم و فيه بعد الذكر العسكرى: فإذا حضرته الوفاة

در کتاب غیبت در باب اخبار ائمه اثنی عشر روایتی را امام صادق از پیامبر اکرم نقل می کند.

## روایت اول

«... فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيّاً فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ اسْمُ كَاسِمِي وَ اسْمُ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّالِثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» [۶]. [ftn6\_#]

شیخ طوسی در کتاب غیبت از رسول خدا ۹ روایت کرده که آن حضرت در شب رحلتش به علی ۷ فرمود: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور و حضرت وصیت خود را املا می فرمود (و علی می نوشت) تا رسید به اینجا که فرمود: ای علی پس از من دوازده نفر امام و بعد از ایشان دوازده نفر مهدی است و تو یا علی اولین نفر از دوازده امام هستی... هر گاه مرگت رسید (خلافت را) به فرزندم حسن واگذار کن، که او بزّ وصول یعنی پاک و قدرشناس است... چون او وفاتش رسید باید آن را به فرزندم حسین زکی شهید مقتول بسپارد... يك يك....

و چون وفات او (عسکری) برسد باید به فرزندش محمد نگهبان (آئین) آل محمد: بسپارد، پس این دوازده امام است و پس از آن دوازده مهدی، چون مرگش در رسد به فرزندش که اول مقربین است و برای او سه نام است بسپارد، نامی چون نام من احمد، و نامی چون نام پدرم عبد الله، و نام سوم مهدی است و او اول ایمان آورندگان است.

\* بعضی از منحرفین و کسانی که مدعی اند ائمه نعوذ بالله سیزده نفر و یا بیست و چهار نفر هستند، استناد به این روایت ضعیف می کنند.

#### روایت دوم

«...اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ... وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأُئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ وَ مُدِّ فِي أَغْمَارِهِمْ...» [v]. [ftn7 #]

\* طبق این روایت هم، امام دارای فرزند است.

#### روایت سوم

«...السَّلَامُ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ عَلَى الْأُئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ...» [Δ]. [ftn8 #]

#### روایت چهارم

«...و تَجْعَلُهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ فِيهَا الْأُئِمَّةَ الْوَارِثِينَ...» [٩]. [ftn9 #]

\* این روایت ها، دال بر وجود فرزند برای امام زمان ۴ بعد از ظهور می باشند، البته این روایات معارض هم دارد که آیا امکان حل تعارض آن، وجود دارد؟

#### روایاتی که نفی اولاد برای امام زمان بعد از ظهور دارند

#### روایت اول

«و يعارضها ما رواه المسعودی فی اثباته عن علی بن أبی حمزة فی دخوله مع ابن أبی السراج و ابن أبی سعید علی الرضا ۷ فقال له ۷ ابن أبی حمزة؛ فأننا روينا ان الامام لا يمضي حتى يرى عقبه. فقال له الرضا ۷: أ ما رويتم في هذا الحديث بعينه «إلا القائم» قالوا: لا قال الرضا ۷: بلى، قد رويتموه و أنتم لا تدرون لم قيل و لا ما معناه قال ابن أبی حمزة: ان هذا لفي الحديث...» [١٠]. [ftn10 #]

مسعودی در اثبات الوصیه از ابن ابی حمزه نقل می کند که به امام رضا ۷ گفتیم که برای ما نقل شده که امام از دنیا نمی رود تا اینکه نسل و ذریه خودش را ببیند، امام فرمود: در این حدیث آیا جمله دیگری نیست؟ گفتند چیست؟

گفت إِلَّا الْقَائِم. گفتند نه [چنین چیزی برای ما نقل نکرده اند، فقط گفته اند امام از دنیا نمی رود مگر اینکه فرزندی داشته باشد]. امام فرمود: بله برای شما روایت شده، اما شما نمی دانید چرا این جمله گفته شده و معنای این استثناء چیست.

## روایت دوم

ما رواه الشيخ في غيبته في عنوان « فأما من زعم أن الأمر قد اشتبه عليه فلا يدري هل لأبي محمد ٧ ولد أم لا » عن مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمْعِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَلِيمَانَ بْنِ رَشِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَرَّازِ قَالَ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَفْصَةَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ٧ فَقَالَ لَهُ أَنْتَ إِمَامٌ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ إِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقَبٌ فَقَالَ أُنْسِيَتْ يَا شَيْخُ أَوْ تَنَاسَيْتَ لَيْسَ هَكَذَا قَالَ جَعْفَرُ ٧ إِنَّمَا قَالَ جَعْفَرُ ٧ لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقَبٌ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ٧ فَإِنَّهُ لَا عَقَبَ لَهُ فَقَالَ لَهُ صَدَقْتَ جَعْلُكَ فَذَاكَ هَكَذَا سَمِعْتُ جَدَّكَ يَقُولُ » [١١].# [ftn11]

علی بن ابی حمزه بر امام رضا ٧ وارد شد و به امام می گوید: تو امام هستی؟ [ او واقفی بوده است یعنی امامت حضرت رضا را قبول نداشت] فرمودند: بله؛ علی بن ابی حمزه می گوید از جدت امام صادق ٧ شنیدم که می گفت: امام نمی تواند باشد مگر کسی که ذریه داشته باشد. امام رضا ٧ فرمود: ای شیخ! فراموش کرده ای و یا خود را به فراموشی می اندازی؟ جدم اینگونه نفرموده بلکه فرموده: هر امامی ذریه دارد مگر آن امامی که در دورانش امام حسین ٧ رجعت می کند. علی ابن حمزه گفت: این جمله را هم جد شما فرموده بودند.

## اقوالی که نفی اولاد می کنند

و أما الاقوال [١٢].# [ftn12]:

١- فقال المفيد في إرشاده: و لَيْسَ بَعْدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ ٧ لِأَخِي دَوْلَةٌ إِلَّا مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ مِنْ قِيَامٍ وَلَدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَرِدْ بِهِ عَلَى الْقَطْعِ وَ الثَّبَاتِ وَ أَكْثَرُ الرَّوَايَاتِ أَنَّهُ لَنْ يَمُضِيَ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةَ إِلَّا قَبْلَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا يَكُونُ فِيهَا الْهَزْجُ وَ عَلَامَاتُ خُرُوجِ الْأَمْوَاتِ وَ قِيَامِ السَّاعَةِ لِلْحِسَابِ وَ الْجَزَاءِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكُونُ» [١٣].# [ftn13]

شیخ مفید در ارشاد می فرماید: و پس از دولت آن بزرگوار برای هیچ کس دولت و سلطنتی در زمین نخواهد بود جز آنچه در روایات آمده که اگر خدا بخواهد فرزندان آن حضرت پس از او سلطنت کنند، و بطور قطع در این باره روایتی نرسیده و در بیشتر روایات است که مهدی این امت از دنیا نرود مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن چهل روز فتنه و آشوب شود و نشانه های زنده شدن مردگان و آمدنشان برای حساب و پاداش پدید آید، و خدا دانایتر است به آنچه خواهد شد

\* پس شیخ مفید می گوید زمینه ای برای اولاد امام زمان ۴ فراهم نیست و مدت زمانی نمی ماند تا اولاد امام زمان ۴ حکومت کنند.

۲- « وقال النعمانی - بعد الذکر أخبار الاثنی عشر من طریق العامه- و فی قوله فی آخر الحديث: « ثم الهرج»[۱۴].#ftn14]

نعمانی می گوید: روایات در این معنی [از طرق اهل سنت] بسیار است که دلالت بر این دارد که منظور رسول خدا ۹ خاطر نشان ساختن آن دوازده نفر و اینکه آنان جانشینان او هستند، بوده است و فرمایش آن حضرت در پایان حدیث اول که: «سپس آشوب و هرج و مرج می شود» خود محکم ترین دلیل است بر آنچه در روایات آمده که پس از سپری شدن زمان قائم ۴ پنجاه سال آشوب و هرج و مرج روی خواهد داد.

\* البته این کلام آقای نعمانی قابل مناقشه است (قبلاً هم مناقشه کردیم)، چون فقط یک روایت است که آن هم از طریق عامه است زیرا آن چه در روایات آمده، چهل روز است که از مقدمات قیامت است.

۳- « و قال الشيخ فی غیبه: « فأما من قال إن للخلف ولدا و إن الأئمة ثلاثة عشر فقولهم یفسد بما دللنا علیه من أن الأئمة ع اثنا عشر فهذا القول یجب إطراره على أن هذه الفرق كلها قد انقرضت بحمد الله و لم یبق قائل یقول بقولها و ذلك دلیل على بطلان هذه الأقاویل»[۱۵].#ftn15]. و کلامه محتمل لنفی ولد رأسا و نفی ولد لا یكون اماماً[۱۶].#ftn16]

شیخ در کتاب الغیبه خود می فرماید: اما آن عده که معتقدند امام زمان ۴ را پسری است و امامان سیزده تن می باشند عقیده شان به همان دلیل که ثابت نمودیم ائمه دوازده تن می باشند، مردود است و این عقیده را باید به دور انداخت. بخصوص که این آراء و عقائد الحمد لله همه منقرض گشته اند و امروز کسی پیدا نمیشود که این سخنان را بر زبان براند یا به یکی از آنها معتقد باشد، و همین انقراض آنها خود دلیل بر بطلان عقائد آنان است.

مرحوم شوشتری می فرماید: احتمال دارد کلام شیخ طوسی حمل بر این شود که امام اصلاً فرزندی ندارد و یا این که می خواهد امامت فرزند امام را نفی کند.

#### ادامه کلام صاحب تاریخ ما بعد الظهور

صاحب تاریخ ما بعد الظهور، بعد از تشکیک و رد رجعت به معنایی که علمای ما در طول تاریخ تشیع گفته اند، می گوید: حکومت در دست اولیا و انسان های خوب قرار می گیرد. ایشان روایاتی را جهت استناد بیان خود، ذکر می کند. یکی از روایات، روایت شیخ طوسی است. بعد از ذکر روایت، به بررسی سندی و دلالی روایت می پردازیم.

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سُفْيَانَ الْبَرْزَوَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَنَانٍ الْمُؤَصِّلِيِّ الْعَدْلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَصْرِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ذِي الثَّفَنَاتِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ الرَّكِّيِّ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ٧ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ٩ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتُهُ لِعَلِّي ٧ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَخْضِرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاهُ فَأَمَلًا رَسُولُ اللَّهِ ٩ وَصِيَّتُهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنِي عَشَرَ إِمَامًا سَمَّاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ عَلِيًّا الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّدِيقَ الْأَكْبَرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ وَ الْمَأْمُونِ وَ الْمَهْدِيِّ فَلَا تَصْخُ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي عَلَى أَهْلِ بَيْتِي حَيْثُمْ وَ مَتِّهِمْ وَ عَلَى نِسَائِي فَمَنْ ثَبَّتَهَا لَقِيْتَنِي غَدًا وَ مَنْ طَلَقَتْهَا فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهَا لَمْ تَزْنِي وَ لَمْ أَرْهَا فِي عَرْصَةِ الْقِيَامَةِ وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي- فَإِذَا حَضَرْتُكَ الْوَفَاةُ فَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ الْبَرِّ الْوَصُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الرَّكِّيِّ الْمَقْتُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّفَنَاتِ عَلِيٍّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُوسَى الْكَاطِمِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ الرِّضَا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ الْفَاضِلِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ) فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسَامِي أَسْمَى كَاسِمِي وَ أَسْمَى أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّالِثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» [١٧]. [ftn17]

شیخ طوسی در کتاب (الغیبة) از جناب امام جعفر صادق ، او از پدرانش، ایشان از امیرالمؤمنین روایت کرده، آن حضرت فرمود که: رسول خدا در شبی که وفات نمود، به من فرمود: یا ابا الحسن ! صحیفه ای و دواتی حاضر کن. پس دوات و صحیفه حاضر کردم. آن حضرت وصیت خود را فرمود تا اینکه بدین موضوع رسید که: یا علی ! بعد از من دوازده امام می باشند و بعد از ایشان دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امامی... و حدیث را ذکر نمود تا اینکه گفته که: امامت را امام حسن عسکری به پسرش م ح م د که مستحفظ شریعت و از جمله آل محمّد است، تسلیم می کند، و ایشان دوازده امامند. بعد از آن دوازده مهدی می باشند. پس وقتی که رحلت حضرت قائم فرا رسد، آنگاه امر را به پسرش که اولین مهدیان است می سپارد، و برای او سه نام است. یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آنها عبد الله و احمد اند، و نام سومین مهدی است و او اولین مؤمنان است.

## بررسی روایت

اولاً: اگر ما این روایت را نپذیرفتیم، هیچ ضرری به اعتقادات ما نمی زند. ما دوازده امامی هستیم که اول آن بزرگواران، حضرت علی ٧ و آخرشان امام زمان ٤ می باشد. اعتقاد ما به دوازده امامی، منحصر به این روایت نیست که اگر این روایت را بالخصوص کنار گذاشتیم و یا در حجیتش تفکیک کردیم، به اعتقادات ما ضرر نرساند.

ثانیاً: این روایت از نظر سند مشکل دارد. در سندش افراد مجهولی هستند. سند روایت طبق نقل شیخ طوسی در الغیبه، این گونه است:

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سُفْيَانَ الْبَرْزَوَرِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ سِنَانٍ الْمُوَصِّلِيِّ الْعَدْلِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَضَرِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ذِي الثُّفَيْنَاتِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ الرَّكِّيِّ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ»

علی بن سنان موصلی در سند روایت توثیق نشده است. نامی از او در کتب رجالی قدما به میان نیامده است، پس مهمل است لذا مرحوم مامقانی می فرماید: «لیس له ذکر فی کتب الرجال» [۱۸]. [ftn18]

مرحوم خوئی در مورد ایشان که در وصفش کلمه «العدل» آمده، می فرماید: «ثم إن كلمة العدل على ما يظهر من ذكرها في مشايخ الصدوق - قدس سره - كان يوصف بها بعض علماء العامة، فلا يبعد أن يكون الرجل من العامة» [۱۹]. [ftn19]

ظاهر عبارت از توصیف به عدل «الموصلي العدل» إشعار و اشاره دارد به این که موصلی، از عامه است، البته نام ایشان در مشایخ صدوق ذکر شده است. مرحوم تستری می فرماید: «من وصفه بالعدل عاميته» [۲۰]. [ftn20]

جعفر بن احمد مصری از افراد دیگر در سند روایت است. از علمای جدید و قدیم، از او نامی به میان نیاورده است، پس چگونه در اعتقادات اعتماد به حدیثی کنیم لا اقل دو نفرش مهمل هستند.

\* مرحوم صدر می فرماید: «إن عدداً من روايات الأولياء التي سمعناها، تنص على أن الأولياء الإثني عشر من ولد الإمام المهدي. قال في أحد الأخبار: ثم يكون من بعده اثني عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة - يعني المهدي - فليسلمها إلى ابنه أول المهديين. وقال في الدعاء « والأئمة من ولده» مع أن الأئمة المعصومين السابقين هم آباء الإمام المهدي ۴ بكل وضوح»

در تعدادی از روایات که آوردیم، تصریح شده است که اولیای دوازده گانه همگی از فرزندان امام مهدی ۴ می باشند. در یکی از این اخبار آمده است: «آن گاه پس از او، دوازده مهدی خواهند آمد. وقتی رحلت امام مهدی ۷ فرا برسد، خلافت را تحویل فرزندش که اولین نفر از مهدی هاست خواهد سپرد» و در دعا آمده است «و الأئمة من ولده» در صورتی که امامان معصوم، پدران امام مهدی می باشند.

\* کلام ایشان، عجیب است شاید بتوانم بگویم حتی یک روایت هم نداشته باشیم که بگوید آن دوازده مهدیین، فرزندان امام زمان ۴ هستند. استناد ایشان، به همین روایت مذکور است در حالی که این روایت گفته بود فقط اولین از مهدیین، فرزند امام زمان ۴ است نه همه آن ها.

اما جمله: «و الائمة من ولده» که آدرس به بحارالانوار (ج ۹۲ ص ۳۳۲) می دهند، در بحار این گونه نیامده است بلکه با عبارت «و الائمة من بعده» بیان شده است.

## وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۱]. [ftnref1\_#]. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۸۹

[۲]. [ftnref2\_#]. مرحوم نوری در نجم الثاقب، ص ۲۶۰ به این موضوع می پردازد الان این کتاب ملحق به بحار الانوار، جلد ۵۳ شده است.

[۳]. [ftnref3\_#]. نظر ما هم همین است که این قصه ها، مجعول است. چون با پذیرش جزیره خضراء، باید متحمل هزینه سنگینی شویم و آن عقب نشینی از یک سری عقایدمان می باشد. با پذیرفتن چنین قضیه ای باید قائل شویم -معاذ الله- که پیامبر ۹ اشتباه می کند و یا این که، قرآن تحریف شده است. بنده در کتاب تا ظهور بحث را مفصل مطرح کرده ام.

[۴]. [ftnref4\_#]. ائمه طاهرين نسبت به بسیاری از جهات زندگانی حضرت امام عصر ۴، مثل غیبت حضرت و یا طولانی بودن عمرآن بزرگوار اشاره داشته اند ولی به این مسئله اشاره نکرده اند، بلکه روایت در نفی این مطلب وارد شده است.

[۵]. [ftnref5\_#]. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۸۹

[۶]. [ftnref6\_#]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۵۰

[۷]. [ftnref7\_#]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۰

[۸]. [ftnref8\_#]. مجلسی، بحارالانوار ج ۹۹، ص ۲۲۸

[۹]. [ftnref9\_#]. مجلسی، بحارالانوار ج ۹۹، ص ۳۱۴

[۱۰]. [ftnref10\_#]. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۲۰۸ و تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۹۰

[۱۱]. [ftnref11\_#]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۲۳

[۱۲]. [ftnref12\_#]. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۹۱

[۱۳]. [ftnref13 #]. مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۷

[۱۴]. [ftnref14 #]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۷، (...قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَفْرَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ قَالَ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَتَتْهُ قُرَيْشٌ فَقَالُوا لَهُ تُمْ يَكُونُ مَاذَا قَالَ تُمْ يَكُونُ الْهَاجِجُ (جابر بن سمره میگوید: از رسول خدا ۹ شنیدم که میفرماید: «پس از من دوازده جانشین خواهد بود که همه آنان از قریشانند» راوی گوید هنگامی که رسول خدا به منزل بازگشت، قریش نزد آن حضرت آمده به او گفتند: پس از آن چه می‌شود؟ فرمود: «سپس آشوب و نابسامانی روی خواهد داد»)

[۱۵]. [ftnref15 #]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۲۸

[۱۶]. [ftnref16 #]. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۹۱ س

شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱. [۱۷]

[۱۸]. [ftnref18 #]. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲ قدیم، ص ۲۹۱

[۱۹]. [ftnref19 #]. خوئی، معجم الرجال، ج ۱۲، ص ۴۶

[۲۰]. [ftnref20 #]. تستری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۷۷

### شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
جلسه بیست و یکم بحث	جلسه بیست و سه	اذعان خلیفه	جلسه ۵ بحث	خروج یاجوج	و مآجوج =	سفیانی =	قیام های قبل
و یکم بحث	بحث روایات	اول به معیار	خروج یاجوج	و مآجوج =	بودن	سفیانی =	از ظهور = درس
قیام های قبل	بحث روایات	امیرالمومنین (ع)	خروج یاجوج	و مآجوج =	دریسی خارج	دریسی خارج	مهدویت =
از ظهور = درس	بحث روایات	برای عبور از پل	مهدویت =	مهدویت =	مهدویت =	مهدویت =	مهدویت =
خارج مهدویت	مهدویت =	صراط	۹۱/۰۱/۲۷	۹۱/۰۱/۱۹	۹۰/۰۷/۱۸	۹۰/۰۷/۲۵	۹۳/۰۱/۲۶
-	۹۰/۱۲/۱۴	صدیقه					